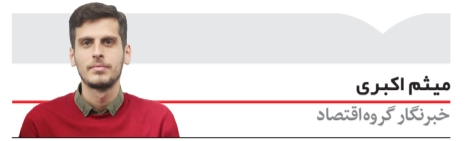




«فرهنگستان» جزئیات وضعیت ارزی کشور در سال ۱۴۰۱ را بررسی می کند

# در جستجوی آثار ۱۸۰ میلیارد دلار مبادله ارزی



میثم اکبری

خبرنگار گروه اقتصاد

۲۲ اردیبهشت ماه محمدرضا فرزین در دیدار با جمعی از صادرکنندگان، واردکنندگان و تولیدکنندگان که به منظور بررسی مشکلات حوزه تجارت خارجی کشور برگزار شد مواردی را در خصوص وضعیت تجاری و ارزی و همچنین چالش ها و فرصت های این وضعیت بیان داشت. در بخشی از سخنان وی با تصریح بر اینکه تشدید تحریم ها نقل و انتقال ارز را مشکل کرده از میزان مبادلات ارزی کشور در سال گذشته پرده برداشت که براساس گفته های وی بالغ بر ۱۸۰ میلیارد دلار بوده است. در نگاه اول عدد ۱۸۰ میلیارد دلار شاید عجیب و غریب به نظر برسد اما بررسی های «فرهنگستان» نشان می دهد مجموع تجارت بدون نفت ایران (بدون احتساب نفت و تجارت چمدانی) کشور در سال گذشته بالغ بر ۱۱۳ میلیارد دلار بوده که صادرات غیرنفتی (به جز نفت) با بیش از ۵۳ میلیارد و واردات نیز با حدود ۶۰ میلیارد دلار اجزای آن را تشکیل می دهند. همچنین در بررسی تجارت بخش خدمات (صادرات و واردات این بخش شامل ترانزیت، گردشگری، صدور خدمات فنی و مهندسی و اعزام نیروی کار به خارج) باید گفت این بخش نیز با سهم ۲۶ میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلار در تجارت کشور حضور دارد. بررسی جزئی تر نشان می دهد صادرات خدمات ایران براساس تخمین ۱۲ ماهه در سال ۱۴۰۱ به حدود ۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار و سهم واردات خدمات نیز به ۱۶ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار می رسد. مابقی حجم تجارت خارجی نیز به صادرات نفت برمی گردد. اما یکی از نکاتی که در بررسی این آمار باید بدان توجه داشت آن است که علی رغم بزرگی رقم ۱۸۰ میلیارد دلار در کل تجارت سال ۱۴۰۱ کشور، ظرفیت های موجود در کف میدان بیش از این مقدار است. برای مثال مطابق با بررسی ها حجم ترانزیت قابل انجام کشور به عنوان یکی از زیرگروه های بخش خدمات در بلندمدت و با بهره گیری از تمام ظرفیت های ترانزیت هوایی، دریایی و زمینی به ۳۰۰ میلیون تن کالا و درآمد ۱۲ میلیارد دلاری تنها از این زیرگروه بخش خدمات می رسد؛ مساله ای که آمار موجود نشان از فاصله معنادار کشور با این مقدار دارد. برای مثال حجم ترانزیت خارجی ایران در حالی در بلندمدت به ۳۰۰ میلیون تن تخمین زده شده که در سال ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ تنها ۱۲٫۶ و ۱۲٫۹ میلیون بوده است.

## تجارت غیرنفتی ۱۱۳ میلیارد دلاری

نگاهی به آمار مقدماتی مقایسه ای صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی (بدون احتساب نفت و تجارت چمدانی) و واردات براساس اطلاعات موجود و مقدماتی دوازده ماهه سال ۱۴۰۰ و مقایسه با مدت مشابه سال گذشته نشان می دهد طی ۱۲ ماهه سال ۱۴۰۱ مجموع صادرات کشور حدود ۵۳ میلیارد و ۱۶۶ میلیون دلار بوده است که از طریق صادرات بیش از ۱۲۲ میلیون تن کالا حاصل گردیده بود؛ به عبارت دیگر ارزش هر تن کالای

صادراتی کشور حدود ۴۳۶ دلار بوده است. در سمت دیگر میزان واردات دوازده ماهه سال ۱۴۰۱ به ۵۹ میلیارد و ۶۵۵ میلیون دلار رسیده که این میزان در ۲۷ میلیون و ۱۸۰ هزار تن خلاصه شده و نشان دهنده ارزش واحد بیش از هزار و ۶۰۰ دلار هر تن کالای وارداتی بوده است. به بیان دیگر میزان واردات و صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور در سال ۱۴۰۱ به ۱۱۲ میلیارد و ۸۲۱ میلیون دلار رسید. همچنین مقایسه آمار ذکر شده سال ۱۴۰۱ با سال ۱۴۰۰ نشان از آن دارد که در آن سال مجموع ارزش صادرات ۱۲ ماهه حدود ۴۸ میلیارد و ۴۴۸ میلیون دلار بوده که در مقابل واردات ۵۳ میلیارد و ۹۹۳ میلیون دلار قرار دارد که نشان از مجموع صادرات و واردات ۱۰۱ میلیارد و ۴۴۱ میلیون دلار در آن سال دارد؛ همچنین ارزش واحد هر تن صادرات ۳۹۶ دلار و ارزش واحد هر تن واردات هزار و ۲۸۶ تن در سال ۱۴۰۰ بوده است.

## تجارت ۲۶ میلیارد دلاری خدمات

بررسی وضعیت صادرات و واردات خدمات کشور به عنوان یکی از اقلام مهم تجارت خارجی حکایت از آن دارد که طی سه ماهه اول سال ۱۴۰۱ این میزان در گروه صادرات خدمات ۲ میلیارد و ۲۶۱ میلیون دلار بوده که در شش ماهه نخست بارش بیش از ۲ برابری به حجم ۴ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار رسید که با فرض یکسان بودن میزان صادرات خدمات در طول شش ماهه دوم، می توان عدد ۹ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار را برای این گروه صادراتی منظور کرد. همچنین نگاهی به ارقام تاریخی صادرات خدمات کشور نشان از آن دارد که میزان صادرات بخش خدمات کشور از سال ۱۳۹۳ که حدود ۱۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده است در سال های پس از آن نیز در همین میزان وجود داشته به طوری که در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ با برجا گذاشتن عدد ۱۱ میلیارد و ۸۶۰ میلیون دلار و ۱۱ میلیارد و ۵۰۹ میلیون دلار بیش از متوسط سال های ذکر شده، صادرات خدمات مهندسی انجام گرفته است. اما در سال ۱۳۹۹ و با شیوع همه گیری کرونا این رقم صادراتی ناگهان با کاهش ۲۶ درصدی به ۴ میلیارد و ۲۱۴ میلیون دلار رسید و در سال ۱۴۰۰ نیز با کاهش محدودیت های کرونایی، عدد ۶ میلیارد و ۵۱۸ میلیون دلار را به ثبت رساند و با توجه به کاهش محدودیت های اعمال شده در سال گذشته در کشورهای جهان و نگاهی به ارقام تاریخی صادرات خدمات ایران، پیش بینی صادرات ۱۰ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار در دور از ذهن نبوده و در محدوده معمول گذشته صادرات خدمات ایران قرار دارد.

اما در سمت واردات خدمات، آمار ۳ ماهه سال ۱۴۰۱ نشان از آن دارد که حدود ۳ میلیارد و ۶۳۳ میلیون دلار واردات خدماتی به کشور صورت گرفته که این رقم در شش ماهه سال گذشته به ۸ میلیارد و ۳۲۲ میلیون دلار رسیده است که حکایت از افزایش ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار واردات خدمات دارد. مشابه با بخش صادرات خدمات و با فرض یکسان بودن حجم واردات در شش ماهه دوم می توان گفت این عدد به ۱۶ میلیارد و ۶۵۰ میلیون دلار می رسد و به صورت مجموع و در دو گروه واردات

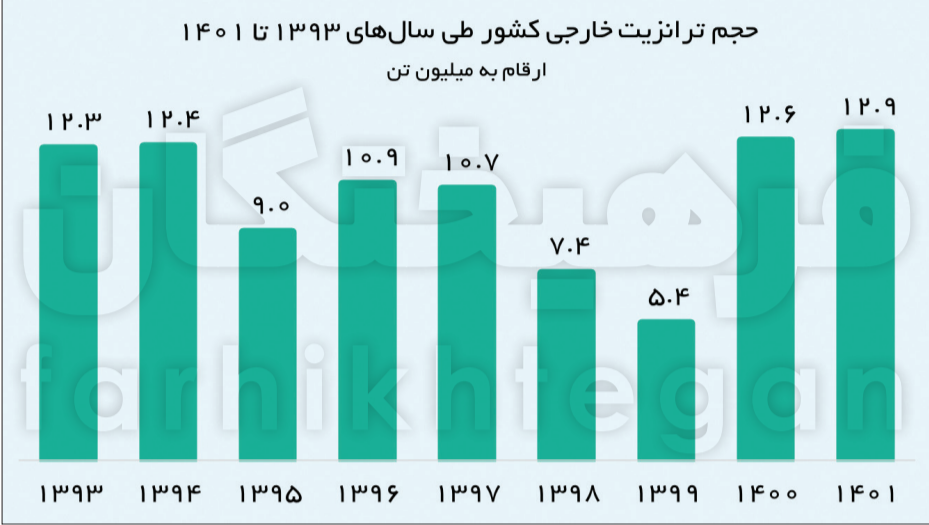
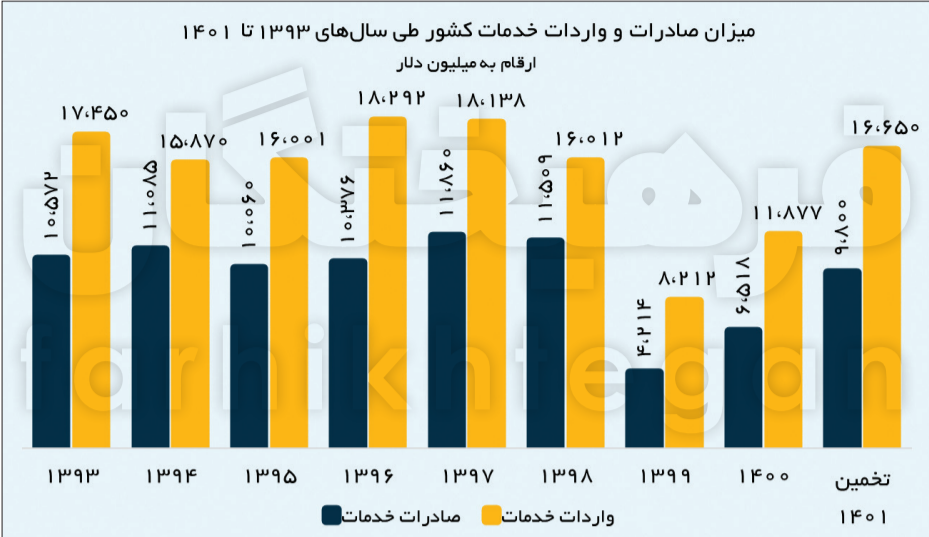
و صادرات می توان تجارت ۲۶ میلیارد و ۴۵۰ میلیون دلاری را برای این گروه به حساب آورد.

## ظرفیت ۲۰ میلیارد دلاری ترانزیت ایران

بی گمان نیاز به توضیح نیست که با توجه به موقعیت سرزمینی ایران، یکی از جنبه های مهم درآمدزایی ارزی و ریالی برای کشور، موضوع ترانزیت و استفاده از ظرفیت های لجستیکی کشور است. چنانکه بررسی مسیرهای تجاری منطقه غرب و جنوب غرب آسیا نشان می دهد شرایط اقتصادی و سیاسی جهان - نظیر تلاش روسیه برای اطمینان از مسیر ترانزیتی در ستراس یاسرمایه گذاری چین در بهرمرساندن پروژه کمربند راه - موجب شده تا تمام کشورهای این منطقه که در مسیرهای ترانزیتی خصوصا جنوب غرب آسیا نقشی دارند، نه تنها نسبت به افزایش کمی و کیفی مزیت های این مسیرها در کشورشان اقدام کنند بلکه به سایر کشورهای این مسیرها از آن کشورهای می گذرد هم بپردازند تا با انواع رایزنی های اقتصادی سیاسی آشکار و پنهان از مزیت های مسیر رقیب بکاهد تا منافع کشورهای دیگر را به چالش بکشد. لذا این موضوع برای ایران به عنوان کشوری که در مرکز خطوط ترانزیتی قرار دارد از اهمیت وافری برخوردار است تا علاوه بر رسیدن به ظرفیت حداکثری پوشش تقاضای ترانزیت، با ایجاد زیرساخت در بلندمدت برای جابجایی حدود ۳۰۰ میلیون تن کالا و درآمد ۲۰ میلیارد دلاری (که از این مقدار ۱۰۸ میلیون تن مربوط به کریدور شمال جنوب و باقی آن به کریدور شرق به غرب مربوط می شود)، به عامل زمان نیز حداکثر توجه را داشته باشد تا علاوه بر افزایش جذابیت سرزمینی، پیش از سایر رقبای این حوزه نقش جدی ایفا کرده و وضعیت را به نفع خود رقم بزند.

## رکورد شکنی ترانزیت خارجی

در این خصوص آمار ترانزیت کشور نشان از بی توجهی شدید به این بخش با ظرفیت دارد؛ چراکه آمار حجم ترانزیت خارجی ایران از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۴۰۱ ارقامی را روایت می کنند که با آنچه روی زمین از نیاز کشورهای خارجی به مسیر ترانزیتی کشور و ظرفیت بهره برداری قرار دارد فاصله عمیقی دارد. حجم ترانزیت خارجی ایران در سال ۱۳۹۳ در حدود ۱۲٫۳ میلیون تن بوده که در سال ۱۳۹۴ به ۱۲٫۴ میلیون تن می رسد. اما این میزان در سال های بعد با نوسان روبه رو بوده به طوری که در سال ۱۳۹۵ به ۹ میلیون تن کاهش و علی رغم اینکه در سال ۱۳۹۶ به ۱۰٫۶ میلیون تن افزایش می یابد، اما پس از آن تا سال ۱۳۹۹ روند نزولی دارد، حجم ترانزیت خارجی کشور در سال ۱۳۹۸ به ۷٫۴ میلیون تن (از حجم ۱۰٫۷ میلیون تن در سال ۱۳۹۷) و در نهایت در سال ۱۳۹۹ به ۵٫۴ میلیون تن می رسد که می توان یکی از عوامل آن را شیوع ویروس کرونا و نکته بعدی را خروج آمریکا از برجام و تحریم های اعمال شده در سال ۱۳۹۸ دانست. اما روند ترانزیت خارجی کشور در سال های بعد افزایش می یابد و در سال ۱۴۰۰ به ۱۲٫۶ میلیون تن و بیشتر از تمام حجم ذکر شده از سال ۱۳۹۳ دارد و در نهایت حجم ترانزیت خارجی سال ۱۴۰۱ رکورد



کالاهای غیرنفتی، واردات کالا و صادرات و واردات بخش خدمات و در نهایت سهم ۴۰ میلیارد دلاری صادرات نفت، مجموع ارزش مبادلات ارزی ایران در سال گذشته به ۱۸۰ میلیارد دلار می رسد.

## افزایش ۳۳ درصدی تامین ارز

همچنین فرزین در خصوص روند تخصیص و تامین ارز مورد نیاز طی سال جاری در مقایسه با سال گذشته گفت: «پارسال تا تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳ میلیارد و ۳۵۰ میلیون دلار تخصیص ارز و ۵ میلیارد و ۹۴۴ میلیون دلار تامین ارز صورت گرفته بود، در حالی که امسال در همین بازه تا کنون ۱۳ میلیارد و ۸۶۴ میلیون دلار تخصیص و ۷ میلیارد و ۲۸۱ میلیون دلار تامین ارز صورت گرفته است؛ بنابراین تامین ارز ما در سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است.» اما بخش مهم دیگری از موضوعات ارزی کشور به منابع تامین ارزی برمی گردد؛ موضوعی که رئیس کل بانک مرکزی با تاکید بر تامین بخش عمده های ارز از طریق صادرکنندگان اعم از پتروشیمی، فولادی ها و...، به برخی مشکلاتی که منجر به طولانی شدن زمان تامین ارز می شود اشاره کرد و گفت: «برای کوتاه تر شدن زمان تامین ارز از این به بعد بانک مرکزی با حذف واسطه ها، ارز را به طور مستقیم از صادرکننده ها خریداری می کند و با نرخ مشخص به واردکننده ها خواهد فروخت تا هم هزینه ها کمتر و هم زمان تامین ارز کوتاه تر شود. این موضوع از آنجا اهمیت دارد که این اقدام بانک مرکزی می تواند نقش میان داری این بانک را در مدیریت بازار ارز پررنگ تر کرده و به کاهش دخالت ابزارهای غیرحاکمیتی در این بازار بکاهد.»

سال قبل از خود را نیز شکسته و به ۱۲٫۹ میلیون تن می رسد که علی رغم مسرت بخش بودن این افزایش، اما با توجه به فاصله ظرفیت بالفعل و بالقوه حکایت دارد که نیاز به توجه ویژه در این خصوص دارد. اما افزایش نقش ایران در نقشه ترانزیتی منطقه و جهان بدون در نظر گرفتن موضوعاتی نظیر زیرساخت های نرم (سهولت در قوانین، ارتباطات بین المللی و پیش بینی پذیری اقتصادی و سیاسی) و زیرساخت های سخت (عدم فرسودگی و به روز بودن ناوگان های حمل و نقل و وجود خطوط ارتباطی موریگن خصوصا از نوع ریلی) نمی توان حل کرد. چنان که ممکن است افزایش درجه آزادی در حل این موضوع نیاز به همکاری های فرادستگاهی و حتی فرافوقی داشته باشد تا جذابیت مسیر ترانزیتی ایران برای کشورهای و شرکت های حمل و نقل بازرگانی بیش از پیش شود. اما به جز تجارت غیرنفتی، همچنین نگاهی به آمارهای بانک مرکزی نشان می دهد حجم صادرات نفتی کشور در سه ماهه اول سال ۱۴۰۱ نیز به ۱۴ میلیارد و ۳۵۲ میلیون دلار می رسد که این میزان در شش ماهه اول به ۲۹ میلیارد و ۳۹۴ میلیون دلار رسیده است. البته لازم به ذکر است در محاسبه صادرات نفتی در نماگرهای بانک مرکزی این میزان معادل ارزش نفت خام، فرآورده های نفتی، گاز طبیعی، مایعات و میعانات گازی صادر شده توسط شرکت های ملی نفت ایران، ملی گاز ایران، ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران، شرکت های پتروشیمی و سایرین (گمرکی و غیر گمرکی) بوده است. بر این اساس اگر در کل سال ۱۴۰۱ رقم مذکور فرضا به ۶۰ میلیارد دلار برسد، عملا در حدود ۴۰ میلیارد دلار آن مربوط به صادرات نفت خواهد بود. بر این اساس، با در نظر گرفتن سهم صادرات

## گزارش

همزمان با ابلاغ سیاست های کلی برنامه هفتم توسعه، ضرورت های تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی چیست و آیا به وسیله آن می توان به رفاه اجتماعی دست یافت؟

# ضرورت تقویت رشد اقتصادی در جهت تحقق رفاه اجتماعی

## الزامات جبران عقب ماندگی اقتصادی

«توسعه سرمایه گذاری» و «ارتقای بهره وری» از مهم ترین الزامات جبران عقب ماندگی اقتصادی کشور و تحقق رشد اقتصادی کشور محسوب می شوند؛ چراکه به صورت کلی، برخی حوزه های توسعه ای به منظور ایجاد ارزش افزوده و رشد اقتصادی متکی به عنصر سرمایه هستند؛ اما برخی دیگر از این مرحله عبور کرده اند و رشد اقتصادی آنها متکی به تکنولوژی است و به مفهوم وسیع تر با موتور محرک بهره وری رشد می کنند. از این رو، تشکیل سرمایه موتور رشد اقتصادی است؛ سرمایه گذاری به دلیل آنکه برای اقتصاد ایجاد ظرفیت می کند، در همه کشورهای توسعه یافته به عنوان مهم و حیاتی است و مشوق های مختلف سرمایه گذاری از سوی کشورها ارائه می شود. ایران جزء کشورهایی است که اقتصادش با تکیه بر سرمایه گذاری و میزان رشد موجودی سرمایه رشد کرده است اما روند تشکیل سرمایه در دهه ۹۰ نزولی شده است؛ به نحوی که رشد متوسط سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در سال های این دهه به منفی ۲٫۶ درصد می رسد.

در مجموع در راستای رشد تولید و مهار تورم ناشی از جاذبه تقاضا، باید علاوه بر کنترل رشد نقدینگی و پایه پولی، اهتمام ویژه ای به مناسبات بین المللی و دیپلماسی فعال اقتصادی داشت و با استفاده از ظرفیت پیمان های اقتصادی دو جانبه یا چند جانبه اقدام به شناسایی بازارهایی برای محصولات داخلی و جذب سرمایه گذاری خارجی کرد تا از این مدل ریسک های سیاسی سبب افکننده بر اقتصاد کشور کم رنگ

با فرصت های برابر به طوری که همگان فرصت توسعه ظرفیت های خود را داشته باشند، باید رشد اقتصادی وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، امروزه هیچ کشوری وجود ندارد که به عنوان توسعه یافته شناخته شود، بدون آنکه دوره های طولانی رشد اقتصادی بالا را تجربه کرده باشد. در طول ۲۰ سال گذشته، تاریخ بشریت شاهد خروج صدها میلیون نفر از فقر بوده است؛ پدیده ای که در طول تاریخ بی نظیر بوده است. این امر نتیجه این واقعیت است که دو کشور هند و چین توانسته اند در طول این دوره، نرخ رشد اقتصادی بسیار بالایی را تجربه کنند. بنابراین هیچ سیاست اجتماعی وجود ندارد که بتواند به اندازه رشد اقتصادی بالای این دو کشور، افراد زیادی را از فقر نجات دهد.

همچنین شواهد به ما نشان می دهد که برای دستیابی به برابری فرصت های بیشتر در میان شهروندان و ارتقای رفاه اجتماعی در یک کشور، لازم است دولت آموزش و بهداشت با کیفیت و زیرساخت های اساسی را برای مردم فراهم کند. همه اینها مستلزم منابع مالی است و برای آن رشد اقتصادی لازم است؛ از این رو، در کشورهای فقیر هیچ دولت قوی و کارآمدی وجود ندارد. در مجموع می توان گفت «رفع مشکل معیشت مردم، رفاه خانوار و فقر»، «ارتقای جایگاه ایران در اقتصاد منطقه و جهان» و نیز «بهره مندی از نیروی انسانی متخصص کشور» در گرو رشد مستمر اقتصادی در میان مدت (بازه زمانی هفت تا ده ساله) با رویکرد پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت است.

## رضا احمدی

پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

حجم اقتصاد ایران در طول دهه ۹۰ تنها ۷۱ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است. به بیان ساده تر به تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۹۰ حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان افزوده شده است؛ این در حالی است که حجم اقتصاد ایران تنها در طول دو سال پس از برجام بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته بود. بر این اساس می توان گفت رشد اقتصاد ایران در یک دهه گذشته بسیار ناچیز بوده است.

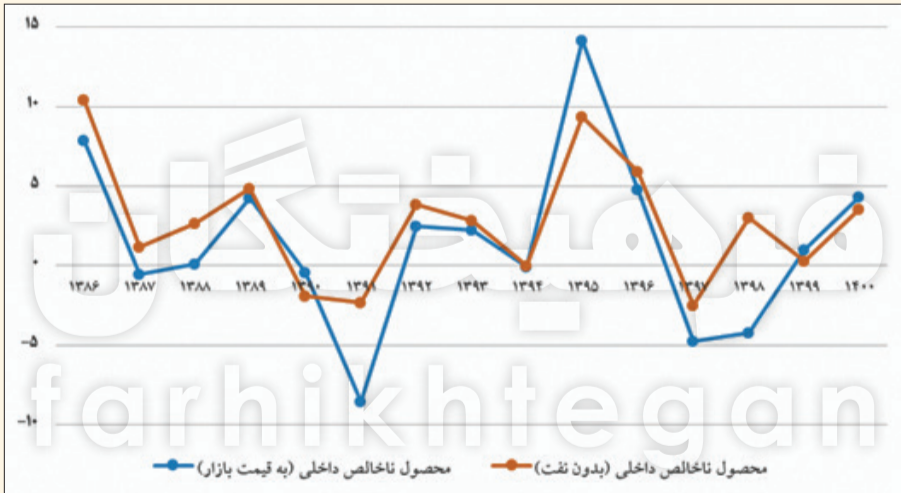
همچنین بررسی ها نشان می دهد رشد اقتصادی ایران در سالیان گذشته نوسان بالایی داشته است، به گونه ای که در ۱۵ سال گذشته از رشد منفی ۸ درصد تا رشد مثبت ۱۴ درصد در نوسان بوده است. این موضوع گویای نوسان و بی ثباتی در اقتصاد ایران است.

## ضرورت جبران عقب ماندگی اقتصادی

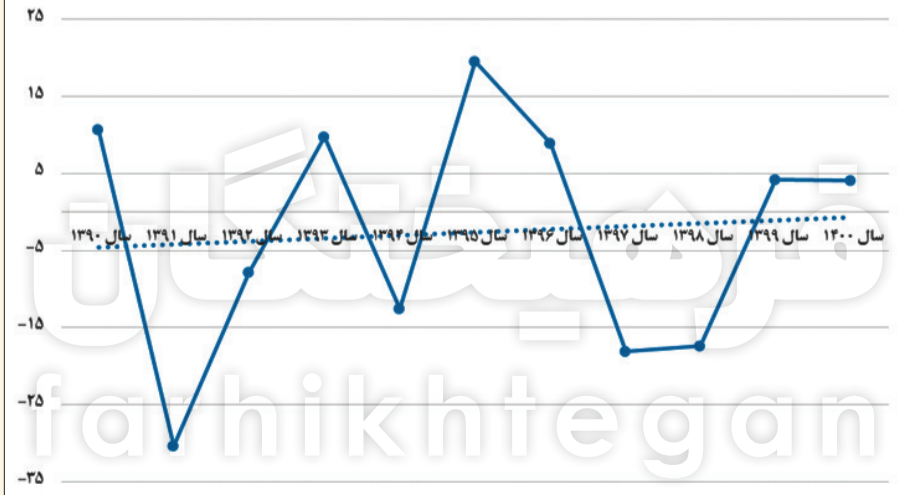
توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی یک جامعه به یک سیاست اقتصادی مناسب وابسته است که بدون غفلت از مسائل مرتبطی همچون کاهش فقر و نابرابری، پایداری محیط زیست و افزایش امید به زندگی، موجب رشد اقتصادی بدون رفاه اجتماعی می شود.

از سوی دیگر، شواهد به ما نشان می دهد که برای دستیابی به اهدافی مانند آنچه ذکر شد و در نتیجه جامعه عادلانه تر،

## روند نرخ رشد اقتصادی طی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰



## رشد متوسط سالانه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در دهه ۹۰



فعالیت اقتصادی در کشور را قوی تر کنیم و با استفاده از سازوکارهایی که به بهبود بهره وری سرمایه و نیروی کار منجر می شود، هزینه های تولید را کاهش دهیم.

شده و با افزایش جریان تشکیل سرمایه در کشور شاهد مثبت شدن روند تشکیل سرمایه در کشور باشیم. همچنین برای رشد تولید و مهار تورم ناشی از فشار هزینه باید عرصه